



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

اصطلاحات نظامی به انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی، اصطلاحات انگلیسی 🌐 ۱۴.۳۵k بازدید



اصطلاحات نظامی به انگلیسی فقط به کلمات مربوط به جنگ و ارتش محدود نمی‌شوند؛ این واژه‌ها در اخبار، فیلم‌ها، بازی‌ها، مکالمات روزمره و حتی بعضی اصطلاحات رایج انگلیسی هم زیاد دیده می‌شوند. اگر در مسیر **آموزش زبان انگلیسی** هستید، یادگیری این کلمات به شما کمک می‌کند متن‌های خبری، صحنه‌های فیلم و جملات رسمی‌تر را بهتر بفهمید. در این مقاله، مهم‌ترین کلمات، عبارات و اصطلاحات نظامی در انگلیسی را همراه با معنی فارسی، مثال واقعی و ترجمه بررسی می‌کنیم.

موضوعات این مقاله

- ۱ کلمه نظامی به انگلیسی چیست؟
- ۲ ارتش به انگلیسی چه می‌شود؟
- ۳ مرد نظامی به انگلیسی
- ۴ شغل نظامی به انگلیسی
- ۵ شاخه‌های نیروهای نظامی به انگلیسی
- ۶ درجه‌های نظامی به انگلیسی
- ۷ یگان‌ها و ساختار ارتش به انگلیسی
- ۸ تجهیزات نظامی به انگلیسی
- ۹ سلاح‌ها و مهمات به انگلیسی
- ۱۰ وسایل نقلیه نظامی به انگلیسی
- ۱۱ عملیات نظامی به انگلیسی
- ۱۲ فرمان‌ها و دستورات نظامی به انگلیسی
- ۱۳ اصطلاحات مربوط به جنگ و میدان نبرد
- ۱۴ افعال پرکاربرد نظامی در انگلیسی
- ۱۵ اصطلاحات خبری و سیاسی مربوط به جنگ و ارتش
- ۱۶ اصطلاحات نظامی مدرن به انگلیسی
- ۱۷ اسلنگ و اصطلاحات محاوره‌ای نظامی در انگلیسی
- ۱۸ اصطلاحات نظامی که وارد انگلیسی روزمره شده‌اند
- ۱۹ جملات کاربردی نظامی به انگلیسی

کلمه نظامی به انگلیسی چیست؟

برای گفتن «نظامی» در انگلیسی، چند کلمه مختلف وجود دارد که هرکدام کاربرد خاص خودشان را دارند.

military

نظامی، مربوط به ارتش یا نیروهای مسلح

He has ten years of **military** experience.

او ده سال سابقه نظامی دارد.

army

ارتش، نیروی زمینی

My brother joined the **army** last year.

برادرم سال گذشته وارد ارتش شد.

armed forces

نیروهای مسلح

The country increased its spending on the **armed forces**.

آن کشور هزینه‌های خود برای نیروهای مسلح را افزایش داد.

martial

رزمی، جنگی، نظامی

The city was placed under **martial law**.

شهر تحت حکومت نظامی قرار گرفت.

defense

دفاع، امور دفاعی

The government announced a new **defense plan**.

دولت یک طرح دفاعی جدید اعلام کرد.

war

جنگ

Many families left the country during the **war**.

خانواده‌های زیادی در طول جنگ کشور را ترک کردند.

combat

نبرد، جنگیدن

The soldiers were trained for **combat**.

سربازان برای نبرد آموزش دیده بودند.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات سیاسی به انگلیسی

ارتش به انگلیسی چه می‌شود؟

«ارتش» در انگلیسی بسته به موقعیت می‌تواند با چند واژه بیان شود.

army

ارتش، نیروی زمینی

The **army** was sent to protect the border.

ارتش برای حفاظت از مرز اعزام شد.

military

مجموعه نیروهای نظامی

The **military** took control of the area.

نیروهای نظامی کنترل منطقه را به دست گرفتند.

armed forces

نیروهای مسلح شامل ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی و سایر شاخه‌ها

She served in the **armed forces** for five years.

او پنج سال در نیروهای مسلح خدمت کرد.

ground forces

نیروهای زمینی

Ground forces entered the town at dawn.

نیروهای زمینی هنگام سپیده‌دم وارد شهر شدند.

defense forces

نیروهای دفاعی

The **defense forces** were put on high alert.

نیروهای دفاعی در آماده باش کامل قرار گرفتند.

مرد نظامی به انگلیسی

در میان اصطلاحات نظامی به انگلیسی، برای گفتن «مرد نظامی» یا «فرد نظامی» بهتر است فقط به جنسیت فکر نکنیم. در انگلیسی مدرن، واژه‌های خنثی‌تر و رسمی‌تر هم زیاد استفاده می‌شوند.

soldier

سرباز

A **soldier** was standing at the gate.

یک سرباز کنار دروازه ایستاده بود.

serviceman

مرد نظامی، کسی که در نیروهای مسلح خدمت می‌کند

He was a **serviceman** during the war.

او در طول جنگ یک مرد نظامی بود.

service member

عضو نیروهای مسلح، فرد نظامی

Every **service member** must complete basic training.

هر عضو نیروهای مسلح باید آموزش پایه را کامل کند.

military personnel

پرسنل نظامی

Only **military personnel** are allowed beyond this point.

فقط پرسنل نظامی اجازه دارند از این نقطه عبور کنند.

troop

سرباز، نیروی نظامی

The **troops** returned home after the mission.

نیروها بعد از مأموریت به خانه برگشتند.

veteran

سرباز سابق، کهنه سرباز

My grandfather is a war **veteran**.

پدربزرگم کهنه سرباز جنگ است.

recruit

نیروی تازه وارد، سرباز تازه استخدام شده

The new **recruits** started training on Monday.

نیروهای تازه وارد روز دوشنبه آموزش را شروع کردند.

بیشتر بخوانید: آموزش شغل ها به انگلیسی

شغل نظامی به انگلیسی

اگر بخواهید درباره شغل نظامی به انگلیسی صحبت کنید، این کلمات بسیار پرکاربرد هستند.

soldier

سرباز

He always wanted to become a **soldier**.

او همیشه می‌خواست سرباز شود.

officer

افسر

The **officer** gave the order to move forward.

افسر دستور پیشروی داد.

commander

فرمانده

The **commander** spoke to the troops before the operation.

فرمانده قبل از عملیات با نیروها صحبت کرد.

pilot

خلبان

The **pilot** landed the fighter jet safely.

خلبان جت جنگنده را با موفقیت فرود آورد.

military doctor

پزشک نظامی

A **military doctor** treated the injured soldiers.

یک پزشک نظامی سربازان مجروح را درمان کرد.

military engineer

مهندس نظامی

Military engineers built a temporary bridge.

مهندسان نظامی یک پل موقت ساختند.

intelligence officer

افسر اطلاعاتی

The **intelligence officer** collected information about the area.

افسر اطلاعاتی درباره منطقه اطلاعات جمع‌آوری کرد.

special forces soldier

سرباز نیروهای ویژه

He served as a **special forces soldier** for six years.

او شش سال به عنوان سرباز نیروهای ویژه خدمت کرد.

military police

پلیس نظامی

The **military police** checked every vehicle at the gate.

پلیس نظامی هر خودرو را کنار دروازه بررسی کرد.

شاخه‌های نیروهای نظامی به انگلیسی

نیروهای نظامی معمولاً به چند شاخه اصلی تقسیم می‌شوند. این کلمات در اخبار، فیلم‌ها و متن‌های رسمی زیاد دیده می‌شوند.

army

نیروی زمینی، ارتش

The **army** controls most ground operations.

نیروی زمینی بیشتر عملیات‌های زمینی را کنترل می‌کند.

Air Force

نیروی هوایی

He joined the **Air Force** after college.

او بعد از دانشگاه وارد نیروی هوایی شد.

navy

نیروی دریایی

The **navy** sent ships to the region.

نیروی دریایی کشتی‌هایی به منطقه فرستاد.

marines

تفنگداران دریایی

The **marines** were sent to secure the coast.

تفنگداران دریایی برای تأمین امنیت ساحل اعزام شدند.

Coast Guard

گارد ساحلی

The **Coast Guard** rescued the fishermen.

گارد ساحلی ماهیگیران را نجات داد.

space force

نیروی فضایی

The **Space Force** focuses on satellite security.

نیروی فضایی روی امنیت ماهواره‌ها تمرکز دارد.

national guard

گارد ملی

The **National Guard** helped after the storm.

گارد ملی بعد از طوفان کمک کرد.

بیشتر بخوانید: آموزش مکالمه انگلیسی در فرودگاه

درجه‌های نظامی به انگلیسی

درجه‌های نظامی در کشورهای مختلف ممکن است کمی متفاوت باشند، اما این کلمات از رایج‌ترین درجه‌ها در انگلیسی هستند.

private

سرباز ساده

He started his career as a **private**.

او زندگی حرفه‌ای خود را به عنوان سرباز ساده شروع کرد.

corporal

سرجوخه

The **corporal** led a small team of soldiers.

سرجوخه يك تيم كوچك از سربازان را هدايت كرد.

sergeant

گروهبان

The **sergeant** trained the new recruits.

گروهبان نيروهاي تازه وارد را آموزش داد.

lieutenant

ستوان

A young **lieutenant** was in charge of the unit.

يك ستوان جوان مسؤل آن يگان بود.

captain

سروان، كاپيتان

The **captain** briefed the soldiers before the mission.

سروان قبل از مأموریت به سربازان توضیح داد.

major

سرگرد

The **major** approved the operation plan.

سرگرد طرح عملیات را تأیید کرد.

colonel

سرهنگ

The **colonel** visited the base in the morning.

سرهنگ صبح از پایگاه بازدید کرد.

general

ژنرال

The **general** ordered a full withdrawal.

ژنرال دستور عقب‌نشینی کامل داد.

commander-in-chief

فرمانده کل قوا

The president is the **commander-in-chief** of the armed forces.

رئیس‌جمهور فرمانده کل نیروهای مسلح است.

یگان‌ها و ساختار ارتش به انگلیسی

برای فهمیدن اخبار یا فیلم‌های جنگی، باید با ساختارهای رایج نظامی هم آشنا باشید.

unit

یگان، واحد نظامی

The **unit** was sent to the northern border.

آن یگان به مرز شمالی اعزام شد.

squad

جوخه، گروه کوچک نظامی

A **squad** of soldiers entered the building.

یک جوخه از سربازان وارد ساختمان شد.

platoon

دسته نظامی

The **platoon** moved through the forest quietly.

دسته نظامی آرام از میان جنگل حرکت کرد.

company

گروهان

The **company** was stationed near the river.

گروهان نزدیک رودخانه مستقر شده بود.

battalion

گردان

The **battalion** was ready for deployment.

گردان برای اعزام آماده بود.

brigade

تیپ

A full **brigade** was sent to support the operation.

یک تیپ کامل برای پشتیبانی از عملیات اعزام شد.

division

لشکر

The **division** played a major role in the battle.

لشکر نقش مهمی در نبرد داشت.

headquarters

مقر فرماندهی

The report was sent to **headquarters**.

گزارش به مقر فرماندهی فرستاده شد.

base

پایگاه

The soldiers returned to the **base** after sunset.

سربازان بعد از غروب به پایگاه برگشتند.

barracks

آسایشگاه، محل اقامت سربازان

The recruits slept in the **barracks**.

نیروهای تازه وارد در آسایشگاه خوابیدند.

camp

اردوگاه، کمپ نظامی

The **camp** was built outside the city.

اردوگاه بیرون شهر ساخته شد.

تجهیزات نظامی به انگلیسی

تجهیزات نظامی به انگلیسی فقط شامل سلاح نمی‌شود. لباس، ابزار ارتباطی، وسایل حفاظتی و تجهیزات میدانی هم جزو این دسته هستند.

uniform

لباس نظامی، یونیفرم

Every soldier must wear a clean **uniform**.

هر سرباز باید لباس نظامی تمیز بپوشد.

helmet

کلاه‌خود

The soldier put on his **helmet** before leaving the vehicle.

سرباز قبل از خروج از خودرو کلاه خودش را گذاشت.

body armor

زره بدن، جلیقه محافظ

Body armor can protect soldiers from serious injuries.

زره بدن می تواند از سربازان در برابر آسیب های جدی محافظت کند.

bulletproof vest

جلیقه ضدگلوله

The police officer wore a **bulletproof vest**.

افسر پلیس جلیقه ضدگلوله پوشیده بود.

boots

پوتین نظامی

His **boots** were covered in mud.

پوتین‌هایش پر از گل شده بود.

backpack

کوله‌پشتی

The soldier carried food and water in his **backpack**.

سرباز غذا و آب را در کوله‌پشتی‌اش حمل می‌کرد.

radio

بی‌سیم، رادیوی ارتباطی

The commander contacted the team by **radio**.

فرمانده از طریق بی‌سیم با تیم تماس گرفت.

night-vision goggles

دوربین دید در شب

They used **night-vision goggles** during the operation.

آن‌ها در طول عملیات از دوربین دید در شب استفاده کردند.

map

نقشه

The officer marked the route on the **map**.

افسر مسیر را روی نقشه مشخص کرد.

first-aid kit

جعبه کمک‌های اولیه

Every team carried a **first-aid kit**.

هر تیم یک جعبه کمک‌های اولیه همراه داشت.

بیشتر بخوانید: آموزش لباس‌ها به انگلیسی

سلاح‌ها و مهمات به انگلیسی

در این بخش، مهم‌ترین واژگان مربوط به سلاح و مهمات را یاد می‌گیریم. این کلمات در فیلم‌ها، اخبار و بازی‌ها زیاد شنیده می‌شوند.

weapon

سلاح

The guard asked him to drop the **weapon**.

نگهبان از او خواست سلاح را زمین بگذارد.

gun

اسلحه، تفنگ

The police found a **gun** in the car.

پلیس یک اسلحه در خودرو پیدا کرد.

rifle

تفنگ، تفنگ بلند

The soldier cleaned his **rifle** after training.

سرباز بعد از تمرین تفنگش را تمیز کرد.

pistol

تیانچه

The officer carried a **pistol**.

افسر یک تیانچه همراه داشت.

machine gun

مسلسل

A **machine gun** was mounted on the vehicle.

یک مسلسل روی خودرو نصب شده بود.

sniper rifle

تفنگ تک تیرانداز

The **sniper rifle** was kept in a secure room.

تفنگ تک تیرانداز در یک اتاق امن نگهداری می شد.

ammunition

مهمات

The unit was running low on **ammunition**.

مهمات یگان رو به اتمام بود.

bullet

گلوله

The **bullet** hit the wall behind him.

گلوله به دیوار پشت سر او خورد.

grenade

نارنجک

The soldiers found an old **grenade** in the field.

سربازان یک نارنجک قدیمی در مزرعه پیدا کردند.

missile

موشک

The **missile** was launched from a naval ship.

موشک از یک کشتی نیروی دریایی شلیک شد.

rocket

راکت

The city was hit by several **rockets**.

شهر با چند راکت هدف قرار گرفت.

landmine

مین زمینی

The area was dangerous because of **landmines**.

آن منطقه به خاطر مین‌های زمینی خطرناک بود.

explosive

ماده منفجره

Experts removed the **explosives** from the building.

کارشناسان مواد منفجره را از ساختمان خارج کردند.

target

هدف

The **target** was far from the city center.

هدف از مرکز شهر دور بود.

firepower

قدرت آتش، توان تسلیحاتی

The enemy had greater **firepower**.

دشمن قدرت آتش بیشتری داشت.

بیشتر بخوانید: آموزش کامل ابزارها به انگلیسی

وسایل نقلیه نظامی به انگلیسی

وسایل نقلیه نظامی در زمین، هوا و دریا استفاده می‌شوند. این واژگان در اخبار جنگ و فیلم‌های اکشن زیاد کاربرد دارند.

tank

تانک

A **tank** moved slowly through the street.

یک تانک به آرامی در خیابان حرکت کرد.

armored vehicle

خودروی زرهی

The soldiers arrived in an **armored vehicle**.

سربازان با یک خودروی زرهی رسیدند.

military truck

کامیون نظامی

The **military truck** carried food and supplies.

کامیون نظامی غذا و تدارکات حمل می‌کرد.

fighter jet

جت جنگنده

Two **fighter jets** flew over the city.

دو جت جنگنده بر فراز شهر پرواز کردند.

bomber

بمب افکن

The **bomber** returned to the airbase safely.

بمب افکن با موفقیت به پایگاه هوایی برگشت.

helicopter

هلیکوپتر

A **helicopter** landed near the hospital.

یک هلیکوپتر نزدیک بیمارستان فرود آمد.

drone

پهپاد

The army used a **drone** to monitor the area.

ارتش از یک پهپاد برای نظارت بر منطقه استفاده کرد.

warship

کشتی جنگی

A **warship** was sent to the coast.

یک کشتی جنگی به ساحل فرستاده شد.

destroyer

ناوشکن

The **destroyer** joined the naval operation.

ناوشکن به عملیات دریایی پیوست.

submarine

زیردریایی

The **submarine** stayed underwater for several weeks.

زیردریایی چند هفته زیر آب ماند.

aircraft carrier

ناو هواپیمابر

The **aircraft carrier** carried dozens of planes.

ناو هواپیمابر ده‌ها هواپیما حمل می‌کرد.

بیشتر بخوانید: لغات حمل و نقل به انگلیسی

عملیات نظامی به انگلیسی

عملیات نظامی می‌تواند دفاعی، هجومی، امدادی، اطلاعاتی یا صلح‌بانی باشد. این کلمات در اخبار انگلیسی بسیار پرکاربرد هستند.

operation

عملیات

The **operation** started before sunrise.

عملیات قبل از طلوع آفتاب شروع شد.

mission

مأموریت

The team completed the **mission** successfully.

تیم مأموریت را با موفقیت کامل کرد.

deployment

اعزام نیرو، استقرار

The **deployment** of troops began last night.

اعزام نیروها دیشب آغاز شد.

attack

حمله

The **attack** happened early in the morning.

حمله صبح زود اتفاق افتاد.

defense

دفاع

The city prepared for **defense**.

شهر برای دفاع آماده شد.

retreat

عقب‌نشینی

The army was forced to **retreat**.

ارتش مجبور به عقب‌نشینی شد.

withdrawal

خروج نیروها، عقب‌نشینی

The **withdrawal** of troops took several days.

خروج نیروها چند روز طول کشید.

invasion

تهاجم، حمله نظامی به کشور یا منطقه دیگر

The **invasion** shocked the international community.

تهاجم جامعه بین‌المللی را شوکه کرد.

airstrike

حمله هوایی

The **airstrike** destroyed several military targets.

حمله هوایی چند هدف نظامی را نابود کرد.

ambush

کمین

The convoy was caught in an **ambush**.

کاروان در کمین گرفتار شد.

raid

حمله ناگهانی، یورش

The **raid** lasted less than twenty minutes.

یورش کمتر از بیست دقیقه طول کشید.

rescue mission

ماموریت نجات

The **rescue mission** saved dozens of civilians.

ماموریت نجات جان ده‌ها غیرنظامی را نجات داد.

peacekeeping mission

مأموریت صلح‌بانی

The soldiers joined a **peacekeeping mission** abroad.

سربازان به یک مأموریت صلح‌بانی در خارج از کشور پیوستند.

evacuation

تخلیه

The **evacuation** of civilians began at noon.

تخلیه غیرنظامیان ظهر آغاز شد.

بیشتر بخوانید: آموزش ملیت‌ها و کشورها به انگلیسی

فرمان‌ها و دستورات نظامی به انگلیسی

فرمان‌های نظامی معمولاً کوتاه، مستقیم و سریع هستند. این عبارات را زیاد در فیلم‌ها و بازی‌ها می‌شنوید.

move out

حرکت کنید، راه بیفتید

The commander shouted, “**Move out!**”

فرمانده فریاد زد: «حرکت کنید!»

fall back

عقب نشینی کنید

The unit was ordered to **fall back**.

به یگان دستور داده شد عقب نشینی کند.

take cover

پناه بگیرید

When the shooting started, everyone **took cover**.

وقتی تیراندازی شروع شد، همه پناه گرفتند.

hold fire

شلیک نکنید، آتش را نگه دارید

The officer told the soldiers to **hold fire**.

افسر به سربازان گفت شلیک نکنند.

open fire

شروع به شلیک کردن، آتش گشودن

The guards **opened fire** after the warning.

نگهبانان بعد از هشدار شروع به شلیک کردند.

stand down

از حالت آماده باش خارج شدن، کنار کشیدن

The troops were told to **stand down**.

به نیروها گفته شد از حالت آماده باش خارج شوند.

stand by

آماده باشید

The team was told to **stand by** for new orders.

به تیم گفته شد برای دستورات جدید آماده باشد.

report in

گزارش وضعیت بدهید

Each team had to **report in** every hour.

هر تیم باید هر ساعت گزارش وضعیت می داد.

secure the area

منطقه را امن کنید

The soldiers were ordered to **secure the area**.

به سربازان دستور داده شد منطقه را امن کنند.

clear the building

ساختمان را پاک سازی کنید

The team was sent to **clear the building**.

تیم برای پاک سازی ساختمان اعزام شد.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات گیمینگ به انگلیسی

اصطلاحات مربوط به جنگ و میدان نبرد

این کلمات برای فهمیدن متن‌های خبری، گزارش‌های نظامی، فیلم‌ها و مستندهای جنگی بسیار مهم هستند.

battlefield

میدان نبرد

Medical teams arrived near the **battlefield**.

تیم‌های پزشکی نزدیک میدان نبرد رسیدند.

front line

خط مقدم

Many soldiers were sent to **the front line**.

سربازان زیادی به خط مقدم فرستاده شدند.

enemy

دشمن

The **enemy** controlled the bridge.

دشمن کنترل پل را در دست داشت.

ally

متحد

Several **allies** supported the operation.

چند متحد از عملیات پشتیبانی کردند.

casualty

تلفات، کشته یا زخمی

The report did not mention the number of **casualties**.

گزارش تعداد تلفات را ذکر نکرد.

civilian

غیرنظامی

Civilians were moved to a safer area.

غیرنظامیان به منطقه‌ای امن‌تر منتقل شدند.

prisoner of war

اسیر جنگی

The **prisoner of war** was released after two years.

اسیر جنگی بعد از دو سال آزاد شد.



missing in action

مفقودالاثربدر عملیات

Two soldiers were reported **missing in action**.

دو سرباز مفقودالاثربدر عملیات اعلام شدند.



killed in action

کشته شده در عملیات

His father was **killed in action**.

پدرش در عملیات کشته شد.



wounded in action

مجروح شده در عملیات

She was **wounded in action** but survived.

او در عملیات مجروح شد اما زنده ماند.

ceasefire

آتش بس

Both sides agreed to a temporary **ceasefire**.

هر دو طرف با یک آتش بس موقت موافقت کردند.

truce

آتش بس، توافق توقف جنگ

The two sides reached a **truce** after weeks of fighting.

دو طرف بعد از هفته ها درگیری به آتش بس رسیدند.

surrender

تسلیم شدن

The soldiers had no choice but to **surrender**.

سربازان چاره‌ای جز تسلیم شدن نداشتند.

victory

پیروزی

The **victory** came after months of fighting.

پیروزی بعد از ماه‌ها جنگ به دست آمد.

defeat

شکست

The army suffered a major **defeat**.

ارتش شکست بزرگی خورد.

[بیشتر بخوانید: آموزش مخفف‌های انگلیسی](#)

افعال پرکاربرد نظامی در انگلیسی

این افعال در اخبار، فیلم‌ها و متن‌های مرتبط با ارتش بسیار پرکاربرد هستند.

attack

حمله کردن

The enemy **attacked** the base at night.

دشمن شبانه به پایگاه حمله کرد.

defend

دفاع کردن

The soldiers **defended** the village for three days.

سربازان سه روز از روستا دفاع کردند.

deploy

اعزام کردن، مستقر کردن

The government **deployed** more troops to the border.

دولت نیروهای بیشتری را در مرز مستقر کرد.

retreat

عقب‌نشینی کردن

The unit **retreated** after heavy fighting.

یگان بعد از درگیری شدید عقب‌نشینی کرد.

surrender

تسلیم شدن

The commander refused to **surrender**.

فرمانده از تسلیم شدن خودداری کرد.

capture

دستگیر کردن، تصرف کردن

The army **captured** the town without a fight.

ارتش بدون درگیری شهر را تصرف کرد.

advance

پیشروی کردن

The troops **advanced** toward the capital.

نیروها به سمت پایتخت پیشروی کردند.

withdraw

عقب‌نشینی کردن، خارج کردن نیرو

The country agreed to **withdraw** its forces.

آن کشور موافقت کرد نیروهایش را خارج کند.

bomb

بمباران کردن

The area was **bombed** during the night.

آن منطقه در طول شب بمباران شد.

patrol

گشت‌زنی کردن

Soldiers **patrol** the border every night.

سربازان هر شب در مرز گشت‌زنی می‌کنند.

guard

محافظت کردن، نگهبانی دادن

Two soldiers **guarded** the entrance.

دو سرباز از ورودی محافظت کردند.

rescue

نجات دادن

The team **rescued** several trapped civilians.

تیم چند غیرنظامی گرفتار را نجات داد.

بیشتر بخوانید: آموزش افعال پرکاربرد انگلیسی

اصطلاحات خبری و سیاسی مربوط به جنگ و ارتش

اگر اخبار انگلیسی می‌خوانید یا ویدیوهای خبری می‌بینید، این کلمات را زیاد می‌شنوید.

conflict

درگیری، مناقشه

The **conflict** has continued for several months.

این درگیری چند ماه ادامه داشته است.

invasion

تهاجم نظامی

The **invasion** caused a major political crisis.

تهاجم باعث یک بحران سیاسی بزرگ شد.

airstrike

حمله هوایی

Officials confirmed that an **airstrike** hit the area.

مقامات تأیید کردند که یک حمله هوایی به منطقه اصابت کرده است.

missile strike

حمله موشکی

The city was damaged in a **missile strike**.

شهر در یک حمله موشکی آسیب دید.

peace talks

مذاکرات صلح

Peace talks are expected to begin next week.

انتظار می‌رود مذاکرات صلح هفته آینده آغاز شود.

sanctions

تحریم‌ها

The country faced new **sanctions** after the attack.

آن کشور بعد از حمله با تحریم‌های جدید روبه‌رو شد.

war crime

جنایت جنگی

The court investigated possible **war crimes**.

دادگاه جنایت‌های جنگی احتمالی را بررسی کرد.

humanitarian aid

کمک بشردوستانه

Humanitarian aid was sent to the affected areas.

کمک بشردوستانه به مناطق آسیب‌دیده فرستاده شد.

refugee

پناهنده

Thousands of **refugees** crossed the border.

هزاران پناهنده از مرز عبور کردند.

displaced people

آوارگان، افراد بی خانمان شده بر اثر جنگ یا بحران

The camp was built for **displaced people**.

اردوگاه برای آوارگان ساخته شد.

بیشتر بخوانید: آموزش زبان انگلیسی با اخبار

اصطلاحات نظامی مدرن به انگلیسی

جنگ‌های امروزی فقط محدود به سرباز و تانک نیستند. واژگان مربوط به فناوری، پهپاد، جنگ سایبری و سامانه‌های دفاعی هم بسیار مهم شده‌اند.

drone warfare

جنگ افزار پهپادی

Drone warfare has changed modern combat.

جنگ افزار پهپادی نبرد مدرن را تغییر داده است.

cyber warfare

جنگ سایبری

Cyber warfare can target banks and power stations.

جنگ سایبری می‌تواند بانک‌ها و نیروگاه‌ها را هدف قرار دهد.

electronic warfare

جنگ الکترونیک

Electronic warfare is used to disrupt enemy communications.

جنگ الکترونیک برای مختل کردن ارتباطات دشمن استفاده می‌شود.

missile defense system

سامانه دفاع موشکی

The **missile defense system** intercepted the rocket.

سامانه دفاع موشکی راکت را رهگیری و متوقف کرد.

radar

رادار

The aircraft disappeared from **radar**.

هوایما از رادار ناپدید شد.

satellite

ماهواره

The military used **satellite** images to study the area.

ارتش از تصاویر ماهواره‌ای برای بررسی منطقه استفاده کرد.

surveillance

نظارت، پایش

The drone was used for **surveillance**.

از پهپاد برای نظارت استفاده شد.

reconnaissance

شناسایی نظامی، جمع‌آوری اطلاعات میدانی

The team was sent on a **reconnaissance** mission.

تیم برای یک مأموریت شناسایی اعزام شد.

intelligence

اطلاعات نظامی، اطلاعات امنیتی

The decision was based on military **intelligence**.

تصمیم بر اساس اطلاعات نظامی گرفته شد.

اسلنگ و اصطلاحات محاوره‌ای نظامی در انگلیسی

بعضی کلمات نظامی رسمی نیستند و بیشتر در مکالمات محاوره‌ای، فیلم‌ها، خاطرات سربازان یا متن‌های غیررسمی دیده می‌شوند.

brass

فرماندهان ارشد، مقامات بالای نظامی

The **brass** wanted the mission finished by morning.

فرماندهان ارشد می‌خواستند ماموریت تا صبح تمام شود.

grunt

سرباز پیاده، سرباز معمولی

He spent two years as a **grunt** in the army.

او دو سال به عنوان سرباز پیاده در ارتش خدمت کرد.

GI

سرباز آمریکایی

My uncle was a **GI** during the war.

عمویم در زمان جنگ یک سرباز آمریکایی بود.

chow

غذا، وعده غذایی نظامی

The soldiers lined up for **chow**.

سربازان برای غذا صف کشیدند.

AWOL

غایب بدون اجازه، نهست

The soldier **went AWOL** after the training exercise.

سرباز بعد از تمرین نظامی بدون اجازه غایب شد (نهست کرد).

MIA

مفقود الاثر در عملیات

Three soldiers were listed as **MIA**.

نام سه سرباز به عنوان مفقود الاثر در عملیات ثبت شد.

KIA

کشته شده در عملیات

His name was added to the **KIA** list.

نام او به فهرست کشته شدگان عملیات اضافه شد.

boot camp

دوره آموزش نظامی اولیه

Boot camp was harder than he expected.

دوره آموزش نظامی سخت‌تر از چیزی بود که انتظار داشت.

rookie

تازه‌کار

The **rookie** made a mistake on his first day.

تازه‌کار در روز اولش اشتباه کرد.

بیشتر بخوانید: آموزش اسلنگ انگلیسی

اصطلاحات نظامی که وارد انگلیسی روزمره شده‌اند

بعضی اصطلاحات نظامی دیگر فقط در ارتش استفاده نمی‌شوند. Native Speakerها از آن‌ها در کار، زندگی روزمره، ورزش، سیاست و حتی مکالمات دوستانه استفاده می‌کنند.

Bite the bullet

با سختی روبه‌رو شدن و کاری ناخوشایند را انجام دادن

I hate going to the dentist, but I **have to bite the bullet**.

از رفتن به دندان پزشکی متنفرم، اما باید باهاش کنار بیایم و انجامش بدهم.

under fire

تحت انتقاد شدید، تحت فشار

The manager came **under fire** after the project failed.

مدیر بعد از شکست پروژه به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

call the shots

تصمیم گیرنده بودن، کنترل اوضاع را در دست داشتن

In this company, she **calls the shots**.

در این شرکت، او تصمیم گیرنده اصلی است.

go AWOL

ناگهان غیب شدن، بدون اطلاع ناپدید شدن

He **went AWOL** for a week and didn't answer any calls.

او یک هفته غیبتش زد و به هیچ تماسی جواب نداد.

on the front line

در خط مقدم یک کار یا بحران بودن

Nurses were **on the front line** during the pandemic.

پرستاران در دوران همه‌گیری در خط مقدم بودند.

in the trenches

درگیر سخت‌ترین بخش یک کار بودن

Startup founders spend years **in the trenches**.

بنیان‌گذاران استارت‌آپ‌ها سال‌ها درگیر سخت‌ترین بخش‌های کار هستند.

drop a bombshell

خبری شوکه‌کننده دادن

She **dropped a bombshell** during the meeting.

او در جلسه یک خبر شوکه‌کننده داد.

fight an uphill battle

با کار بسیار سخت و دشوار روبه‌رو بودن

Small businesses are **fighting an uphill battle** against big companies.

کسب‌وکارهای کوچک در برابر شرکت‌های بزرگ با مسیر بسیار سختی روبه‌رو هستند.

stick to your guns

روی حرف یا تصمیم خود ماندن

He **stuck to his guns** and refused to change the plan.

او روی حرفش ماند و قبول نکرد برنامه را تغییر دهد.

no man's land

منطقه نامشخص، وضعیت بلا تکلیف

The project is stuck in **no man's land**.

پروژه در یک وضعیت بلا تکلیف گیر کرده است.

بیشتر بخوانید: آموزش اصطلاحات روزمره انگلیسی (یوتوب زبان مستر)

جملات کاربردی نظامی به انگلیسی

در این بخش چند جمله کامل و کاربردی می بینید که می توانند برای مکالمه، نوشتن، اخبار یا درک فیلمها مفید باشند.

He served in the army for three years.

او سه سال در ارتش خدمت کرد.

The soldiers were sent to the border.

سربازان به مرز اعزام شدند.

The army launched an operation.

ارتش عملیاتی را آغاز کرد.

The area is under military control.

منطقه تحت کنترل نظامی است.

The troops are on high alert.

نیروها در آماده باش شدید هستند.

The country declared a ceasefire.

کشور آتش بس اعلام کرد.

The mission was completed successfully.

مأموریت با موفقیت کامل شد.

Civilians were evacuated from the city.

غیرنظامیان از شهر تخلیه شدند.

The commander gave the order to retreat.

فرمانده دستور عقب نشینی داد.

The base was heavily guarded.

پایگاه به شدت محافظت می شد.

بیشتر بخوانید: آموزش جملات کاربردی انگلیسی

جمع بندی

یادگیری اصطلاحات نظامی به انگلیسی فقط برای فهمیدن متن‌های جنگی نیست؛ این کلمات در اخبار، فیلم‌ها، بازی‌ها و حتی مکالمات روزمره هم کاربرد دارند. اگر هر واژه را همراه با مثال واقعی یاد بگیرید، استفاده از آن‌ها برایتان بسیار ساده‌تر می‌شود.

سوالات متداول

کلمه نظامی به انگلیسی چیست؟

کلمه «نظامی» در انگلیسی معمولاً **military** گفته می‌شود.

ارتش به انگلیسی چه می‌شود؟

«ارتش» در انگلیسی معمولاً **army** است، اما برای کل نیروهای مسلح از **armed forces** استفاده می‌شود.

مرد نظامی به انگلیسی چه می‌شود؟

برای «مرد نظامی» می‌توان از **serviceman** یا به شکل عمومی‌تر از **service member** استفاده کرد.

شغل نظامی به انگلیسی چیست؟

«شغل نظامی» در انگلیسی **military job** یا **military career** گفته می‌شود.

تجهیزات نظامی به انگلیسی چه می‌شود؟

«تجهیزات نظامی» در انگلیسی **military equipment** گفته می‌شود.

اصطلاحات نظامی در انگلیسی فقط مربوط به جنگ هستند؟

نه، بسیاری از اصطلاحات نظامی مثل **under fire** یا **bite the bullet** در مکالمات روزمره هم استفاده می‌شوند.